



سیاستگذاری بهره‌برداری از مخازن مشترک

فلات قاره و تعیین موقعیت ترسیم خط مرزی دریایی میان دو کشور بر اساس خط منصف انجام پذیرفت. در خلیج فارس نیز دو دولت ایران و قطر موافقت نامه تحدید حدود فلات قاره را در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۶۹ میلادی به امضا رساندند که در این قرارداد نیز تحدید حدود فلات قاره و تعیین موقعیت جغرافیایی خط مرزی دریایی بر اساس پذیرش خط منصف صورت پذیرفته است.

در هر دو موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره امضا شده میان این دولت‌ها، ماده‌ای در خصوص احتمال وجود مخازن هیدروکربوری و یا معادن کانی ارزشمند در منطقه‌ای که خط مرزی دریایی در آن ترسیم شده است، وجود دارد که کلیت چگونگی برداشت از این گونه مخازن و یا معادن کانی را تصریح می‌کند. در ماده (۴) موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره میان انگلستان و نروژ در دریای شمال که از این پس موافقتنامه دریای شمال نامیده می‌شود، میان ساختار زمین‌شناسی نفتی و مخزن هیدروکربوری تفاوت قائل نمی‌شود. همان‌طور که در ماده (۲) موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره میان ایران و قطر در خلیج فارس که از این پس به بعد توافقنامه خلیج فارس خوانده خواهد شد، نیز همچون موافقتنامه دریای شمال میان ساختار زمین‌شناسی نفتی و مخزن هیدروکربوری تفاوتی قائل نشده است. بر همین اساس در موافقتنامه دریای شمال با وجود اشتراک طرفین در هر کدام از این دو یعنی ساختار زمین‌شناسی نفتی و یا مخزن هیدروکربوری، حق تقسیم عواید حاصله برای دو طرف محفوظ است. در موافقتنامه خلیج فارس هم به همین دلیل سایر مقررات ذکر شده در ماده (۲) لازم الاجراست که از این میان دو مورد توجه بیشتری را به خود جلب می‌نمایند:

۱- با پیش فرض مشترک بودن ساختار زمین‌شناسی نفتی، بدون توجه به مشترک بودن و یا نبودن مخزن هیدروکربوری، هیچ یک از دو دولت صاحب ساختار زمین‌شناسی نفتی، حق تجاوز از طریق حفر چاه‌های مایل و افقی برای برداشت از مخزن هیدروکربوری موجود در فلات قاره کشور دیگر را ندارند.

۲- کشوری که تنها در ساختار زمین‌شناسی نفتی با کشور مجاور که صاحب مخزن هیدروکربوری می‌باشد، اشتراک دارد، حق انجام عملیات تخریبی در ساختار زمین‌شناسی نفتی را به دلیل ممانعت از برداشت پهنه و بیشینه کشور مقابل از مخزن را ندارد.

تعریفی هم که توسط این دو موافقتنامه از مخزن مشترک ارائه می‌شود نسبتاً یکسان است. «در موافقتنامه دریای شمال «مخزن مشترک مخزنی است که ضمن عبور از خط مرزی به سمت فلات قاره کشور مجاور، به صورت جزئی

امروزه نفت و گاز از اصلی‌ترین ساختارهای زیربنایی توسعه و پیشرفت نه تنها کشورهای در حال توسعه و صادرکننده نفت و گاز، بلکه کشورهای صنعتی مصرف‌کننده نیز به شمار آمده و به همین دلیل پرداختن به مسائل فنی، اقتصادی و حقوقی بهره‌برداری از این منابع گران‌بها اهمیت بسیاری یافته است. از آنجا که برخی از مخازن هیدروکربوری میان چند کشور و یا چند شرکت نفتی به طور مشترک مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند، پرداختن به الگوی فنی، اقتصادی و حقوقی ویژه‌ای که بر برداشت از این مخازن حاکم است حائز توجه درخور می‌باشد. این مقاله سعی می‌کند به مقایسه مکانیسم‌های گفته شده در مقالات قبلی در خصوص مخازن مشترک دریای شمال و خلیج فارس می‌پردازد و نقاط ضعف و قوت این قراردادها را در مقایسه با یکدیگر بیان می‌کند.

خواننده با مطالعه این مقاله و مقاله‌های قبلی سیاستگذاری بهره‌برداری از مخازن هیدروکربوری مشترک تا حدودی می‌تواند درک کند که در مراحل مختلف مدیریت مخازن مشترک چه فناوری‌ها و فاکتورهایی باید لحاظ شود و در صورت انجام هر یک از این الگوها چه سودها و ضررهایی پیش خواهد آمد.

مقایسه تطبیقی الگوهای حقوقی حاکم بر برداشت از مخازن هیدروکربوری در دریای شمال و خلیج فارس

آنچه تا کنون در مقالات قبلی سیاست‌گذاری برداشت از مخازن مشترک نفت و گاز ذکر شد، تلاشی جهت درک دو مکانیزم حقوقی برداشت از مخازن مشترک در دو منطقه مهم و تأثیرگذار نفت‌خیز یعنی دریای شمال و خلیج فارس بود. در اینجا در صدد مقایسه تطبیقی این دو مکانیزم می‌باشیم. بنابراین نیازمند شاخصه‌هایی هستیم که بر اساس آنها مقایسه صورت پذیرد. شاخصه‌هایی که در اینجا مورد توجه قرار گرفته از دو دیدگاه حقوقی و فنی برگزیده شده‌اند.

۱- تحدید حدود فلات قاره،

۲- همکاری در بهره‌برداری از مخازن مشترک

۳- اعمال اصل مدیریت صیانتی

تحدید حدود فلات قاره

در هر دو منطقه، دریای شمال و خلیج فارس، پیش از کشف این دو مخزن مشترک، دولت‌ها به صورت دوجانبه توافق‌نامه‌هایی را میان خود برای تحدید حدود فلات قاره و ترسیم موقعیت خطوط مرزی منعقد نموده بودند. در دریای شمال و میان دولت‌های انگلستان و نروژ، قرارداد تحدید حدود فلات قاره در تاریخ ۱۰ مارس ۱۹۶۵ میلادی به امضا رسید که بر مبنای آن تحدید حدود

و یا کلی قابل بهره‌برداری از سوی طرف مقابل را داشته باشد.» در موافقتنامه خلیج فارس «نیز از مخزن مشترک این گونه یاد می‌شود؛ مخزن مشترک مخزنی است که در عرض خط مرزی توافق شده امتداد یافته و در سوی دیگر خط مرزی، به وسیله حفاری انحرافی، به صورت جزئی و یا کلی، قابل بهره‌برداری باشد. بنابراین ملاحظه می‌شود که این دو تعریف مفهوم واحدی از مخازن مشترک هیدروکربوری را مد نظر داشته‌اند. در نتیجه پس از پذیرش اصل تحدید حدود فلات قاره بر اساس خط منصف، تعریف مشابه از مخازن مشترک هیدروکربوری دومین اشتراک میان این دو موافقتنامه می‌باشد.

در این دو موافقتنامه علاوه بر موارد اشتراکات ضمنی دوگانه ذکر شده در بالا، نکته سومی هم وجود دارد که به طور ضمنی میان دو موافقتنامه مشترک است که به قرار زیر عنوان می‌گردد. در موافقتنامه دریای شمال دو طرف ملزم هستند به دستیابی به توافقی مشترک و رسمی درخصوص نحوه رفتار با مخزن مشترک به صورتی که بیشترین میزان بهره‌برداری از مخزن را تضمین نماید و این مسئله تنها با اعمال مدیریت صیانتی در مخزن قابل دسترسی است. از سوی دیگر در موافقتنامه خلیج فارس نیز دو طرف ملزم هستند به تشریح مساعی در جهت هماهنگ ساختن عملیات بهره‌برداری از مخزن مشترک و یا وحدت در برداشت از این گونه مخازن که توافق بر سر مسائلی همچون بررسی نیاز مخزن به تزریق گاز، تبادل اطلاعات مربوط به حفر چاه‌ها در دو طرف خط مرزی تا فاصله دو کیلومتر و نیز جلوگیری از انجام عملیات حفاری و بهره‌برداری خلاف اصول فنی که موجب زیان مخزن مشترک است را نیز شامل می‌گردد. در صورت تحقق این مسائل که در موافقتنامه خلیج فارس مورد اشاره قرار گرفت، عملاً مدیریت صیانتی از مخزن اعمال خواهد شد. بنابراین با وجود عدم اشاره موافقتنامه دریای شمال به لزوم تشریح مساعی دو دولت در جهت برداشت واحد از مخزن مشترک، هر دو موافقتنامه به طور ضمنی درخصوص اعمال مدیریت صیانتی از مخزن مشترک تشابه دارند. اما در این میان اختلافاتی نیز میان این دو موافقتنامه وجود دارد. در ماده (۴) موافقتنامه دریای شمال دو دولت قائل به وجود پیمانکارانی هستند که با مجوز دو طرف، مشغول انجام عملیات گوناگون اکتشاف و یا بهره‌برداری از مخازن مشترک موجود می‌باشند. بنابراین حتی پیش از آغاز هر گونه عملیات اکتشاف، وجود این پیمانکاران در موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره به رسمیت شناخته شده است. در حالی که در توافقنامه خلیج فارس به چنین موضوعی اشاره نمی‌شود. اما از سوی دیگر در موافقتنامه خلیج فارس به منطقه حائل ۲۵۰ متری (۱۲۵ متر از دو سوی خط مرزی) اشاره می‌شود که در موافقتنامه دریای شمال در نظر گرفته

نشده است. مطابق آنچه در ماده (۲) موافقتنامه خلیج فارس آمده است، منطقه حائل ۲۵۰ متر ناحیه ممنوعه نامیده می‌شود که طبق توافق دو طرفه به عمل آمده میان طرفین، هیچ کدام از دو دولت ایران و قطر، در این منطقه از مخزن مشترک حق حفر چاه به صورت افقی یا مایل را ندارند و در ضمن پس از اتمام طول این منطقه نیز حفر چاه‌های بهره‌برداری باید به صورتی باشد که شعاع برداشت آنها در ناحیه حائل قرار نگیرد. بنابر این به نظر می‌رسد طبق موافقتنامه خلیج فارس، به کارگیری تکنولوژی‌های جدید و به ویژه چاه‌های افقی و مایل هم در جهت پیشروی شمالی- جنوبی و بالعکس به سمت خط مرزی و هم در جهت شرقی- غربی و بالعکس در امتداد خط مرزی به نحوی که باعث ورود شعاع برداشت هر چاه به منطقه ممنوعه گردد، ممنوع می‌باشد.

همکاری در برداشت از مخازن مشترک پس از امضای موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره میان انگلستان و نروژ در سال (۱۹۶۵ م) چندین موافقتنامه دیگر بر اساس ماده (۴) موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره میان انگلستان و نروژ، درباره چگونگی رفتار با مخازن مشترک و نحوه بهره‌برداری از آن میان دو دولت به امضا رسید. در حالی که پس از عقد قرارداد تحدید حدود فلات قاره میان ایران و قطر و کشف مخزن مشترک پارس جنوبی و میدان گازی شمالی در دو مرحله توسط دو دولت به صورت جداگانه، موافقتنامه جدیدی درخصوص چگونگی برداشت از این مخزن مشترک و حتی به کارگیری عملیات واحد در دو سوی خط مرزی، مطابق آنچه در ماده (۲) موافقتنامه خلیج فارس آمده بود، میان دو دولت ایران و قطر به امضا نرسید.

به همین دلیل و در راستای مقایسه مکانیزم حقوقی برداشت از مخازن مشترک در دریای شمال و خلیج فارس، با بیان شاخص‌های طرح شده در موافقتنامه‌های مختص بهره‌برداری از مخازن مشترک در دریای شمال به سلوک عملی دو دولت ایران و قطر در مورد چگونگی بهره‌برداری از مخازن مشترک خواهیم پرداخت. آنچه در مواد قانونی ذکر شده در موافقتنامه‌های مرتبط با بهره‌برداری از مخازن مشترک در دریای شمال غالب است لزوم هماهنگی، مشاوره مداوم و توافق طرفین درخصوص تمامی مسائل کلی و جزئی برداشت از این مخازن می‌باشد که هر کدام به نحوی تأثیر مستقیم بر بهره‌برداری بهینه و بیشینه از مخازن دارند. این توافق و هماهنگی در تعیین حد و حدود و سهم هر کشور از محدوده جغرافیایی مخازن، تعیین متصدی واحد عملیات بهره‌برداری و توسعه مخازن، تصویب موافقتنامه جامع میان پیمانکاران، تصویب طرح‌های پیشنهادی از سوی پیمانکاران درباره بهره‌برداری از مخازن، به کارگیری تأسیسات و تجهیزات نصب شده در این مخازن برای سایر مصارف غیر مرتبط به مصارف مخازن مشترک و

میدان جفیر پایان خرداد ۸۹ به تولید زود هنگام می‌رسد

مدیر طرح توسعه میدان نفتی جفیر از بهره‌برداری از تولید زود هنگام این طرح تا پایان خرداد امسال خبر داد و گفت: این طرح با حضور رؤسای جمهوری ایران و بلاروس در محل اجرای پروژه، به بهره‌برداری رسمی می‌رسد. محمدعلی قنوت‌پور با بیان این که تولید زودرس از میدان نفتی جفیر از طریق چهار حلقه چاه انجام می‌شود، اظهار داشت: هم‌اکنون دو حلقه از این چاه‌ها آماده شده و دو حلقه دیگر نیز در خرداد ماه به مرحله تولید می‌رسند. به گفته مدیر طرح توسعه میدان نفتی جفیر در شرکت پتروایران، قرار است در فاز تولید زود هنگام میدان جفیر، نفت تولید شده از طریق خط لوله ۱۰ اینچی برای فرآورش به واحد بهره‌برداری شماره (۳) اهواز منتقل شود. قنوت‌پور پیش‌بینی کرد: حجم تولید نفت از میدان جفیر در زمان راه‌اندازی مرحله زود هنگام، حدود ۳۵۰۰ بشکه در روز باشد که این میزان تا پایان امسال به تدریج به ۶ هزار بشکه می‌رسد. وی همچنین مجموع سرمایه‌گذاری انجام شده در طرح تولید زود هنگام از میدان نفتی جفیر را جدای از سرمایه‌گذاری کل پروژه حدود ۷۲ میلیون دلار اعلام کرد. قرارداد طرح توسعه میدان جفیر، پنجم سپتامبر ۲۰۰۷ بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت روسی بلاروس نفت و شرکت پتروایران منعقد شد که شرکت پتروایران و شرکت بلاروس نفت، شرکت «پلپارس» را تشکیل دادند و به طور مساوی (۵۰ - ۵۰) شریک هستند.

فلات قاره ۴ میدان جدید نفتی را توسعه می‌دهد

مدیر عامل شرکت نفت فلات قاره از برنامه‌ریزی برای توسعه ۴ میدان جدید نفتی (هنگام، هرمز، نفتان) و (توسن) در خلیج فارس خبر داد و گفت: با توسعه این میادین روزانه ۱۰۰ هزار بشکه به ظرفیت تولید نفت ایران افزوده می‌شود. به گفته محمود زیرکچیان‌زاده، در حال حاضر مطالعات اکتشافی، توسعه و ارزیابی میادین نفتی (هرمز، نفتان) و (توسن) در حال انجام است، او اظهار کرد: از سوی برخی از زیرساخت‌های لازم برای توسعه این میادین نفتی در جزیره قشم در حال انجام است. این مقام نفتی درباره آخرین وضعیت توسعه میدان نفتی (توسن)، بیان کرد: هم‌اکنون مطالعات اکتشافی این میدان نفتی به پایان رسیده است و پیش‌بینی می‌کنیم با توسعه این میدان امکان تولید روزانه ۱۰ هزار بشکه نفت خام با درجه ای پی آی ۲۷/۵ فراهم شود. زیرکچیان‌زاده با اشاره به اینکه توسعه میادین نفتی خلیج فارس با بازگشت سرمایه کوتاه مدت از توجیه اقتصادی بالایی برخوردار است، اعلام کرد: در سال گذشته حدود یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار به طرح‌های نفتی شرکت نفت فلات قاره اختصاص یافته است. پیش‌بینی می‌شود بهره‌برداری از طرح توسعه زود هنگام میدان مشترک (هنگام) به عنوان اولین میدان نفتی منطقه (قشم) با ظرفیت تولید روزانه ۵ هزار بشکه نفت خام در خلیج فارس آغاز شود.

دولت صاحب مخزن و صرفاً بر اساس قوانین داخلی کشورها صورت می‌گیرد. اعمال مدیریت صیانتی در برداشت از مخازن مشترک دریای شمال و خلیج فارس همان‌طور که پیش از این اشاره شد، توافقنامه تحدید حدود فلات قاره میان کشورهای انگلستان و نروژ در دریای شمال در ماده (۴) و توافقنامه تحدید حدود فلات قاره میان کشورهای ایران و قطر در خلیج فارس در ماده (۲) به شکل ضمنی با تأکید بر لزوم رعایت یکسری از اصول فنی در قبال بهره‌برداری از مخزن مشترک، اعمال مدیریت صیانتی از مخزن مشترک را هنگام برداشت از آن مورد تأکید قرار می‌دهند. این تأکید در توافق‌های منعقد شده میان انگلستان و نروژ نقش اساسی بر عهده داشته و با جدیت دنبال شده است که در نهایت به عقد قراردادهایی در زمینه تبیین چگونگی برداشت از مخازن مشترک در دریای شمال منجر گردیده است. اما در خلیج فارس دو دولت ایران و قطر با وجود الزام قانونی برای دستیابی به توافقاتی در این زمینه، پس از کشف مخزن مشترک پارس جنوبی و میدان گازی شمالی، عملاً نتوانسته‌اند به توافقی رسمی در خصوص چگونگی اعمال مدیریت واحد بر این مخزن مشترک دست یابند. به همین دلیل از ابتدای بهره‌برداری تا امروز هر کدام به صورت مجزا و با حداقل همکاری مشغول به بهره‌برداری از مخزن مشترک پارس جنوبی، میدان گازی شمالی می‌باشند.

در نهایت نکته‌ای که در پایان این قسمت قابل تأکید و توجه می‌باشد این است که الگوی حقوقی برداشت از مخازن مشترک در دریای شمال و به ویژه آنچه در مورد مخازن مشترک دریای شمال بررسی گردید، بر اساس رعایت و اعمال اصول فنی مدیریت و برداشت صیانتی از مخازن هیدروکربوری استوار است. بنابراین الگوی برداشت از مخازن مشترک هیدروکربوری در دریای شمال مطلوب می‌باشد. اما با وجود تأکید بر برداشت صیانتی و واحد در توافقنامه تحدید حدود فلات قاره میان کشورهای حاشیه‌ای خلیج فارس، در مکانیزم حقوقی برداشت از مخازن مشترک هیدروکربوری در این منطقه و به خصوص مخزن مشترک پارس جنوبی و میدان گازی شمالی، اعمال اصول مدیریت صیانتی مورد غفلت و بی‌توجهی دولت‌های حاشیه‌ای از جمله ایران و قطر قرار گرفته است. در نتیجه مکانیزم حقوقی برداشت از مخازن مشترک هیدروکربوری در خلیج فارس، نامطلوب می‌باشد.

منبع: ایسنا

نیز حل و فصل اختلافات احتمالی، اهمیتی کلیدی دارد. اما این موارد در مکانیزم حقوقی برداشت از مخازن مشترک در خلیج فارس چندان مطرح نیست و تا کنون در موافقتنامه‌ای رسمی به آنها پرداخته نشده است.

مسئله دیگر نحوه رفتار صاحبان مخازن مشترک در دریای شمال با پیمانکاران است. طبق موافقتنامه‌های موجود میان انگلستان و نروژ درباره مخازن مشترک، هرگونه رفتار پیمانکاران در قبال مخازن مشترک هنگامی مجاز است که پیش از آن پیمانکاران طی توافقی جامع با یکدیگر که مورد تأیید و تصویب دو دولت نیز می‌باشد، پیشنهادات خود در خصوص چگونگی رفتار با مخزن مشترک را به دو دولت ارائه داده و به تصویب ایشان برسانند که معیار دو دولت برای تصویب تمامی طرح‌های پیشنهادی رعایت اصول فنی است که طبق توافقنامه‌های سه گانه و ماده (۴) موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره میان دو دولت، برداشت بهینه و بیشینه از مخزن را تضمین نماید. این در حالی است که در مکانیزم حقوقی برداشت از مخازن مشترک در خلیج فارس و به ویژه مخزن مشترک پارس جنوبی و میدان گازی شمالی، نحوه رفتار و برخورد دولت‌های ایران و قطر با پیمانکارانش تنها تابعی از مقررات داخلی آنهاست و هیچ ارتباطی به دولت مقابل پیدا نمی‌کند. در نتیجه دولت مقابل بر خلاف آنچه در دریای شمال متداول است، از هرگونه اظهار نظر درباره چگونگی رفتار پیمانکاران طرف مقابل با مخزن مشترک محروم است. بنابراین هر کدام از دولت‌ها این فرصت را در اختیار دارند که با صرف نظر نمودن از آنچه برای دولت دیگر در خصوص چگونگی رفتار پیمانکارانش با مخزن مشترک دارای اهمیت است، از پیمانکاران خود بخواهند بیشترین سود و منفعت را در کوتاه مدت و میان مدت برای وی به ارمغان آورند. در همین راستا و بر خلاف آنچه در الگوی حقوقی برداشت از مخازن مشترک در دریای شمال رایج می‌باشد، در خلیج فارس برای برداشت از مخازن مشترک، متصدی واحد جهت بهره‌برداری و توسعه مخزن به کار گرفته نشده است.

در مورد نظارت دولت‌ها بر چگونگی رفتار پیمانکاران با مخزن مشترک نیز در دو منطقه رفتاری متفاوت انجام می‌گیرد. در دریای شمال دولت‌های انگلستان و نروژ مشترکاً و حتی با استفاده از حربه وضع مالیات بر دارایی و سود کسب شده توسط پیمانکاران، بر چگونگی رفتار ایشان با مخازن مشترک و اجرای طرح‌های مصوب دو دولت نظارت می‌نمایند. در حالی که در خلیج فارس همچون نحوه تعامل و به کارگیری پیمانکاران، امر نظارت بر درستی انجام وظایف آنها بدون توافق دو

اوباما منع اکتشاف نفت در بعضی سواحل آمریکا را لغو کرد

ارزش این خطر را ندارد. به گفته آنها تصمیم جدید اوباما، تحقق شعارهای انتخاباتی جان مک کین و سارا پیلین است. تحلیلگران می‌گویند: تصمیم باراک اوباما برای صدور مجوز اکتشاف در بعضی از حوزه‌های برون ساحلی با هدف همراه‌سازی جمهوری خواهان در تصویب لایحه تغییرات آب و هوایی است. دولت اوباما پیش‌تر نیز با موافقت با گسترش صنایع زغال سنگ و هسته‌ای سعی کرده بود، جمهوری خواهان را با این لایحه همراه سازد. اما اوباما گفته است که هدف او از اعطای مجوز اکتشاف برون ساحلی ایجاد تعادل میان نیاز داخلی به انرژی و حفاظت از منابع طبیعی است. او افزود: دولت من امکان بهره‌برداری از حوزه‌های بالقوه جدید در مناطق میانی و جنوبی اقیانوس اطلس و خلیج مکزیک را بررسی می‌کند و همزمان راه‌های حفاظت از مناطق آسیب‌پذیر در منطقه قطب شمال را مطالعه خواهیم کرد. اوباما همچنین وعده داد دولتش برای گسترش انرژی‌های پاک بیشتر تلاش کند. کنگره آمریکا در سال ۱۹۸۱ با تصویب قانونی، اکتشاف و حفاری حوزه‌های جدید نفت و گاز در ۸۰ درصد فلات قاره این کشور را ممنوع کرد. جورج بوش پدر نیز در سال ۱۹۹۰ اکتشاف نفت در مناطق برون ساحلی را ممنوع کرد. این ممنوعیت‌ها با هدف پیشگیری از آلودگی محیط زیست و گسترش صنعت گردشگری وضع شدند.

باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا از موافقت با گسترش اکتشاف منابع برون ساحلی نفت و گاز در این کشور خبر داده است. اوباما گفت به منع اکتشاف از حوزه‌های برون ساحلی ایالات ویرجینیا پایان می‌دهد و امکان بهره‌برداری از حوزه‌های جدید در سایر مناطق برون ساحلی اقیانوس اطلس را بررسی می‌کند. بی بی سی گزارش داد، مجوز همه طرح‌های اکتشاف نفت در سواحل آلاسکا، به جز یک مورد، لغو شده است. دولت آمریکا سال‌هاست اکتشاف و بهره‌برداری حوزه‌های جدید نفت و گاز را در ساحل اقیانوس اطلس، ساحل شرقی خلیج مکزیک و ساحل شمالی آلاسکا ممنوع کرده است.

تصمیم جدید کاخ سفید با واکنش متفاوت جمهوری خواهان و گروه‌های مدافع محیط زیست مواجه شده است. جان مک کین، سناتور جمهوری خواه که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ در رقابت با باراک اوباما، خواستار صدور مجوز حفاری در مناطق برون ساحلی و فلات قاره بود، از این تصمیم استقبال کرده است. اما جان بینر، رهبر اقلیت جمهوری خواه مجلس نمایندگان این تصمیم را کافی ندانسته است.

او گفت: عملیات اکتشاف و حفاری باید در مناطق بیشتری از سواحل اقیانوس اطلس، اقیانوس آرام، خلیج مکزیک و آلاسکا صورت گیرد. طرفداران محیط زیست می‌گویند: این تصمیم آلودگی منابع دریایی را به همراه خواهد داشت